

## آشنایی با جراید فارسی اسلامبول

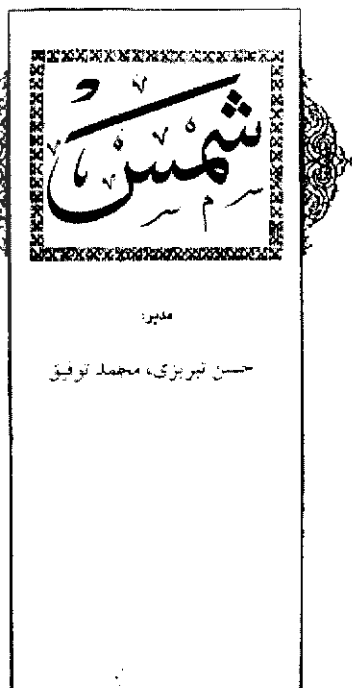
■ زینب شکوری

در زمانی نه‌چندان دور، زبان شیرین فارسی بعد از زبان عربی دومین و رایج‌ترین زبان رایج در سرزمین‌های اسلامی بود. بویژه در قلمرو دولت عثمانی ارج و قرب مخصوصی داشت و آشنایی مردمان با این زبان نشانه فضیلت و فرهیختگی بود. روی همین اصل در شهرها و مناطق زیر نفوذ دولت عثمانی مانند مصر، عراق، اسلامبول و غیره نشریات ادواری فراوانی با زبان فارسی منتشر می‌گردید. در شهر اسلامبول به عنوان پایتخت امپراتوری عثمانی شمار زیادی روزنامه و مجله به زبان فارسی منتشر می‌شد که تاکنون همه آنها به طور دقیق شناسایی و نمونه‌یابی نشده است.

در این نوشتار کوشش ما بر آن است تا این گونه جراید را تا آنجا که در توان باشد معرفی نماییم. این مطالب را درباره این جراید، علاوه بر نمونه‌خوانی مستقیم آنها از کتاب ارزشمند مرحوم محمد صدر هاشمی استخراج و تدوین کرده‌ایم:

### ۱- روزنامه آزادی

روزنامه آزادی به زبان فارسی در اسلامبول به مدیریت «حسن ناجی قاسم‌زاده» چاپ و شماره اول سال اول آن در هشتم محرم ۱۳۲۷ قمری



منتشر شده است. حسن ناجی، مدیر روزنامه؛ در عنوان روزنامه خود را «صاحب کتابخانه شرق» معرفی کرده و در انتهای صفحه چهار روزنامه نیز امضای «حسن ناجی» فقط درج است. در شماره نمونه اسمی از محل انتشار و اداره روزنامه نیست ولی از طرز چاپ و کاغذ و نوع مطالب مسلم است که روزنامه در اسلامبول نوشته و چاپ شده. مضافاً به این که برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی محل طبع روزنامه را «اسلامبول» ضبط کرده و علاوه بر این مدیر آن را «حسن ناجی خوبی» معرفی کرده است. از روزنامه آزادی بیش از یک شماره منتشر نگردیده و ما ذیلاً تمام خصوصیات شماره مذکور را نقل می‌کنیم: این شماره در چهار صفحه به قطع وزیری متوسط و در مطبعه سری «ادب» چاپ شده. سایر خصوصیات و طرز انتشار آن از این قرار است:

«این روزنامه موقتاً در حین لزوم طبع و در آتیه هفتگی خواهد شد.» زیر اسم روزنامه (آزادی) این عبارت درج است: «برادری، برابری، قیمت بیست پاره» راجع به قیمت روزنامه نوشته: «قیمت این شماره در ایران خواندن و به برادران دیگر دادن است.»

در ضمن یک سطر که در زیر عنوان روزنامه چاپ گردیده روزنامه بدین قسم معرفی شده: «این روزنامه مدافع مشروطیت و پولتیک و حقوق مملکت و ناشر افکار آزادی طلبان ایران است.»

در ستون اول درباره «مقصد و مسلک روزنامه» که در حقیقت مقاله افتتاحی روزنامه است اینطور نوشته شده: «آزادی واسطه نشر افکار آن آزادی طلبان است که سینه‌های خود را سپر بلا یا ساخته و وجود خود را آماج تیرهای استبداد نموده‌اند، آزادی با عبارات ساده و آسان و اسلوب صاف ملت را به حقوق خود آگاه خواهد نمود، آزادی به هیچ وجه طرفداری و طرف‌گیری از هیچ‌کس نخواهد کرد، آزادی اظهار حق و حقیقت را اولین وظیفه خود خواهد شمرد، آزادی از انتشار فایده شخصی منظور نداشته تنها خدمت و وطن و هموطنان را اولین مقصد خود قرار داده است، آزادی حقوق و وطن را در پیش اجانب مدافعه و ملت را از مقتضیات آگاه ساخته و به تنویر افکارشان خواهد کوشید، آزادی خادم اتحاد و اتفاق ملت و دفاع‌کننده حقوق اجتماعی و بشریه امت است؛ آزادی در هر مقالات خود حقوق ایرانیان را که در دست ظالمان خونخوار گرفتار بوده و خود را اسیر آنها می‌پندارد مدافعه خواهد نمود. آزادی بر همه خواهد فهماند که هیچ‌کس اسیر خلق نشده و هر یک از افراد ملت در همه حقوق آزاد و مساوی هستند. آزادی اثبات خواهد کرد که ترقی ایران جز به برادری و برابری حاصل نخواهد شد. آزادی به صدای بلند خواهد گفت ای دهقان وطن، ای فقرا ملت؛ ای عوام غفلت زده بیچاره باید بدانید سبب آبادی مملکت و مقصود از ملت شما هستید؛ مامورین، ملاکین، تجار، اصناف، علما همه در سایه شما زیست می‌کنند. ای برادران فلک‌زده به حقوق خود واقف باشید روح و وطن شماست؛ حیات مملکت شما هستید؛ اسب زندگانی عموم صفوف شما بیچارگانید چرا حقوق خود را به دست گران میش صورت داده و به خواب غفلت رفته‌اید تا کی جهالت را بر خود حیات ثانوی اتخاذ خواهید نمود.» پس از مقاله افتتاحی فوق مقاله دیگری به عنوان «ایران و مطبوعات روسیه» چاپ شده و خلاصه آن انتقاد از جراید روسیه می‌باشد که راجع به عدم استعداد ایرانیان برای مشروطیت مطالبی منتشر کرده‌اند.

در ستون آخر صفحه چهار اعلانی مربوط به دو رساله یکی به نام «تازیانه غیرت» و دیگری به نام «رساله اسباب اختلال» که هر دو صورت کنفرانس میرزا حسن ناجی است چاپ شده و مفاد آگهی این است که دو رساله مذکور در کتابخانه شرق به قیمت هر یکی یک غروش به فروش می‌رسد. هر صفحه روزنامه مشتمل بر سه ستون است. همان قسم که در ابتدای نوشتیم از روزنامه آزادی بیش از یک شماره منتشر نشده است.<sup>(۱)</sup>

# اختر

۱۲۹۲

روزنامه اختر، در شهر اسلامبول، به طور هفتگی و مدتی روزانه و چندی هفته‌ای دو بار در سال ۱۲۹۲ قمری چاپ و منتشر شده است. شماره اول این روزنامه روز پنجشنبه ۱۶ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ قمری، به مدیریت «آقای محمدطاهر تبریزی» و نویسندگی «میرزامهدی اختر» انتشار یافته و مدت ۲۲ سال مرتباً دایر بوده تا در سال ۱۳۱۳ قمری از طرف دولت عثمانی توقیف شده است. اختر در آغاز تاسیس، غیر از روزهای جمعه و یکشنبه، هر روز و پس از مدتی هفته‌ای دو بار، روزهای شنبه و چهارشنبه در سال‌های آخری به طور هفتگی انتشار یافته. «برون»، در جلد چهارم تاریخ ادبیات خود صفحه ۳۱۴ (ترجمه) درباره اهمیت این روزنامه می‌نویسد: «در سنه ۸-۱۸۸۷ نیز که من در ایران سفر می‌کردم تنها جریده قابل مطالعه زبان فارسی همان اختر بود که هفته‌ای یک بار در اسلامبول چاپ می‌شد». در حقیقت در دوران تیره و تار استبداد روزنامه اختر کمک بزرگی به تنویر افکار ایرانیان نموده و در ایامی که جراید این مملکت منحصر به چند روزنامه درباری از قبیل ایران و اطلاع بوده روزنامه اختر، به قول ادوارد برون جریده قابل مطالعه زبان فارسی به شمار می‌رفته است بخصوص اخبار تلگرافی کشورهای خارجی که در این روزنامه درج شده، برای آشنایی مردم به اوضاع دنیای خارج کمک‌های مفید و بزرگی نموده است. تردیدی نیست که وجود همین جراید افکار و مردم آن زمان را مهیای انقلاب نمود و پیدایش مشروطیت ایران تا اندازه‌ای رهین فداکاری آقایان مدیران جراید آن روزی است.

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع به روزنامه اختر می‌نویسد: «اختر روزنامه هفتگی منتشر در اسلامبول به مدیریت محمدطاهر تبریزی و نویسندگی مهدی تبریزی در ۱۲۹۲، این روزنامه تا سنه ۱۳۱۳ مرتباً انتشار یافته و در آن تاریخ از طرف دولت ترکیه توقیف شده است.»

نویسنده روزنامه، همان قسم که در بالا ذکر کردیم مرحوم میرزامهدی اختر بوده است. مرحوم میرزامهدی فرزند «حاجی ابراهیم تاجر تبریزی» در اول جمادی‌الثانی ۱۲۵۵ قمری در محله خیابان تبریز به دنیا آمده و در ۲۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۵ قمری در محله «قاضی کوئی» اسلامبول بدرود زندگی گفته است. وی در سن ۲۴ سالگی از تبریز به اسلامبول رفته و مدتی از دوران حیات خود را در این شهر طی کرده تا در سال ۱۲۹۲ که «آقامحمدطاهر تبریزی قراچه‌داغی» روزنامه اختر را تاسیس نمود. مرحوم آقامیرزامهدی نویسندگی آن را به عهده گرفت و آثار و افکار و نظریات خود را به وسیله اوراق روزنامه در دسترس همگان قرار داد. مندرجات روزنامه دلیل بر وسعت اطلاع و آگاهی نویسنده آن است. فشار و سخت‌گیری عمال حکومت عثمانی مدیر و نویسنده اختر را در فشار می‌گذاشت تا اینکه بالاخره هر دو دست از نامه‌نگاری شسته و نویسنده اختر خدمات صادقانه خود را به صورت دیگری درآورد.

توضیح آنکه پس از توقیف روزنامه اختر، مرحوم میرزامهدی نویسنده اختر به ترجمه کتاب «ابراهیم‌بیک» پرداخت و این کتاب را که به زبان انگلیسی نوشته شده و مشتمل بر شرح اوضاع و احوال سیاسی و اداری ایران است به پارسی ترجمه نمود و چون خود قادر بر طبع کتاب نبود مرحوم «حاجی زین‌العابدین تاجر مراغه‌ای مقیم اسلامبول» که از آزادیخواهان و وطن‌پرستان است مخارج طبع آن را عهده‌دار گشت و به صورت آبرومندی آن را منتشر ساخت. از خدمات دیگر آن مرحوم تاسیس «مطبعه «خورشید» در اسلامبول است که پس از مرگ او با جمیع کتب نفیسه‌اش از طرف حکومت عثمانی ضبط و مصادره شد. مرحوم اختر در سن ۷۰ سالگی به

مرض قلبی دچار و به همین مرض فوت نمود و پس از خود جز نام نیک و فرزندی به نام «محمد ابراهیم بیک» چیز دیگری باقی نگذاشت.<sup>(۲)</sup>

روزنامه معمولاً در ۸ صفحه به قطع ۸/۵ در ۱۳ با چاپ سری، به وضع و کاغذ خوبی چاپ شده و قیمت اشتراک سالانه آن بدین قرار است: در عثمانی ۵ مجیدیه، در ایران ۲۵ قران؛ در اروپا ۲۵ فرانک. و اما اطلاعاتی که از متن شماره اول سال اول اختر اقتباس و گرفته شده از این قرار است: نمره ۱ فی ۱۶ ذی الحجه ۱۲۹۲ پنجشنبه ۱ کانون ثانی سنه ۱۳۹۱؛ ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶. مطبوعه و اداره خانه در خان والده در دایره مخصوصه است مکتوبی که برای درج گزرت به اداره داده می شود و طبع نشود به صاحبش رد نخواهد شد. مکتوبی که اجرت پست آن داده نشده است از جانب اداره قبول نخواهد شد. قیمت سالانه ۸ مجیدیه، شش ماهه ۴ مجیدیه سفید؛ یک نسخه سی پاره رایج است.

این مطالب و خصوصیات در عنوان روزنامه و در آخر صفحه ۴ و همچنین در سایر شماره ها اسم «طاهر» مدیر روزنامه چاپ شده و در زیر عنوان این عبارات درج است «این گزرت از حوادث گوناگون و از سیاست و پولتیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت، هر گونه مواد مفیده عامه مجاناً قبول و طبع خواهد شد.» سر مقاله روزنامه تحت عنوان «روزنامه و گزرت» و به این عبارت شروع می شود: روشنائی بخش آفاق مدنیت و کحل الجواهر آفاق ترقی ملک و مملکت تامی رسد به اینجا که، بنابراین هرگز روا نیست که در همچنان پای تخت معظم اقلای یک روزنامه فارسی نباشد که هم فارسی دانان در این ممالک فسیحه را از وقایع و اخبار جهان و از آنچه به کار احتیاجات حالیه می آید به زبان شیرین و دلنشین آگاهی دهد. «این شماره مانند سایر شماره ها در چهار صفحه به قطع بزرگ، با کاغذ زرد و چاپ سری چاپ شده و مندرجاتش پس از سر مقاله اخبار دولت عثمانی و اخبار خارجه است. مجموعه نفیسی از اختر در کتابخانه ملی که سابقاً متعلق به اعتضاد السلطنه بوده موجود است.<sup>(۳)</sup>

### ۳- مجله پارس

مجله پارس به صاحب امتیازی و مدیری «لاهورتی»<sup>(۴)</sup> و مدیر مسئولی «جلال انسی» در شهر اسلامبول تأسیس و در دو قسمت به فارسی و فرانسه منتشر شده است. سردبیر بخش فرانسه مجله «علی نوروژ» است. پارس مجله ای است ادبی و ماهی دو بار منتشر می شده: شماره سوم سال اول آن در اول خردادماه



پارسی ۵۱۴۵ باستانی مطابق محبته ۱۲ رمضان ۱۳۳۹ قمری و شماره ۴ آن در ۲۸ رمضان سال مذکور، با چاپ سری و در ۳۲ صفحه به قطع وزیری کوچک انتشار یافته است. آدرس مجله: استانبول قوطی پست نمره ۱۰۳ و محل اداره آن: جاده ابوالسعود نمره ۷۵ مطبوعه نجم استقبال قیمت اشتراک: یکساله خاک عثمانی ۴۰۰ غروش، ایران ۳۰ قران؛ ممالک سایر ۴۰ فرانک. فرانسه. شش ماهه ۲۲۵ غروش، ۲۲/۵ قران؛ ۲۲/۵ قران تک شماره ۲۰ غروش، ۱ قران و نیم؛ ۲ فرانک.

همان قسم که یادآور شدیم مجله پارس در دو قسمت فارسی و فرانسه نوشته شده و مندرجات قسمت فارسی با قسمت فرانسه متفاوت است. برای اطلاع از انواع مندرجات مجله، فهرست هر دو قسمت فارسی و فرانسه را از شماره سوم و چهارم نقل می نمایم:

فهرست مندرجات شماره سوم: کمالی. (مهر اسپند)، قرن بیستم (کمالی)، حکایت (لاهورتی)، در توصیف حکام جور (ادیب الممالک) منظومه (ح)، غزل (لاهورتی).

بخش فرانسه: هم‌قلمان ما. آزادی زبان شعرای ایرانی (علی نوروز)، افسانه (ح. مقدم)، ترجمه غزل لاهوتی، نقاب لازم نیست، (علی نوروز)، فضولی (میرزا حسن).

فهرست مندرجات شماره چهارم: ایران و ادبای آن (لاهوته)، روزه و رمضان (شوریده)، غزل (توحید)، عرق ایرانی (فیلسوف رضا توفیق)، دل آرام ندارد (شوریده)، چه توان کرد (لاهوته).

بخش فرانسه: چندشاعر امی (علی نوروز)، ترجمه مقاله مهر اسپند راجع به کمالی، پرچانگی (میرزا حسن) ترجمه غزل لاهوتی، هر چه بادا باد (علی نوروز)، فضولی (میرزا حسن).

فهرست مندرجات و سایر خصوصیات روی یک طرف جلد مجله به زبان فارسی و روی طرف دیگر به زبان فرانسه است. مجله پارس از لحاظ کاغذ و طبع و پشت جلد بسیار زیباست. برای نمونه اشعار زیر را از شماره

چهارم مجله اثر طبع لاهوتی نقل می‌نماییم. این اشعار تحت عنوان «چه توان کرد» است:

### چه توان کرد

با این همه بی‌مهری جانان چه توان کرد

جان است و مکدر شده با جان چه توان کرد

آنجا که بود صحن چمن‌خانه صیاد

جز گریه به مرغان گلستان چه توان کرد

از گندم حال تو بجز فتنه ندیدیم

شیطان جنان است؛ به شیطان چه توان کرد

با هجر و تهی دستی و بیماری غربت

جز ریختن اشک به دامن چه توان کرد

جمعند می و مطرب و ساقی همه اما

با دوری از آن زلف پریشان چه توان کرد

زود است که بنیاد مرا بر کند از بیخ

با جوشش این دیده‌گریان چه توان کرد

ویران‌تر از ایران بود امروز دل من

ای وای به این خانه ویران چه توان کرد

دانم که خیانت به وطن راه ترقی است

اما به جلوگیری وجدان چه توان کرد

گفتی به چه رو شیخ دغل منکر عشق است

قربان تو، با مردم نادان چه توان کرد

گیرم که اجل رحم به رنجوری من کرد

با سختی آن ناوک مژگان چه توان کرد

ناموس زلیخای وطن هر که نگه داشت

یوسف صفت افتاد به زندان چه توان کرد

لاهوته ما راه به دربار ندارد

چون نیست هوادار رقیبان چه توان کرد.

استانبول، ۱۰ رجب ۱۳۳۹، لاهوتی<sup>(۵)</sup>



مشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

مجله خاور به صاحب امتیازی و مدیری «سیدحسن شمس» در اسلامبول به زبان فارسی تاسیس و شماره اول آن در ۴۴ صفحه به قطع خشتی در مطبعه سربی «استانبول- مطبعه شمس» طبع و در محرم ۱۳۴۳ قمری منتشر شده است. قیمت اشتراک مجله در ترکیه سالانه دولیره، در ایران ۱۵ قران؛ در فرنگ ۲۵ فرانک. برای آموزگاران و شاگردان مدارس و مکاتب به شرط فرستادن وجه پیشکی نصف قیمت. مجله خاور در سرلوحه آن بدین قسم معرفی شده: «مجله‌ای است علمی، ادبی، اقتصادی که عجالتاً ماهی یک بار نشر می‌شود.» مدیر مسئول مجله در آخر صفحه چهل و چهارم (س. م. توفیق) و محل فروش مجله، «مغازه خورشید در جاده بابعالی» و قیمت تک نمره ۱۵ قروش معین گردیده است. در هر شماره فهرست مندرجات روی جلد چاپ شده، و فهرست مندرجات شماره اول و اسامی نویسندگان آن بدین قرار است: آغاز سخن (حسین دانش)، وضع امروری ما، ظلمات و خطر. گمراهی (حسین دانش)، ایران و همسایگانش، سایکس و ایران (س. م. توفیق). ایران قرون وسطایی در این عصر (سریرسی سایکس) مصطفی کمال پاشای غازی (س. م. توفیق)، فوت سیواوش (ع. ب)، اختلافات دولت و پارلمان، شیخ خزعل و خوزستان. فهرست مذکور تا اندازه‌ای خوانندگان را به نوع مندرجات مجله آشنا می‌سازد و برای اینکه به علت تاسیس مجله آگهی حاصل کنند مقاله افتتاحی مجله را نیز به عینه نقل می‌نماییم:

«آغاز سخن

گرچه خاور مدتی تعطیل شد

مهلتی بایست تا خون شیر شد

تا نژاید بخت تو فرزند نو

خون نگرده شیر شیرین خوش شنو

مدت هاست که زبان بسته بودیم و قلم شکسته و در کنجی نشسته، نگران صحنه حادثات بودیم و جست‌وخیزهای کشتی سیاستمان را میان خیزآب‌های دریای واقعات از دور تماشا می‌نمودیم و چون سکان کشتی را در دست ناخدایی کاردان و توانا می‌دیدیم از این راه خوشوقت و خوشبخت بودیم یعنی تا این اوان اخیر چون کارها را بی دخالت این و آن در مجرای راست و روش چرخ امور را کم‌وبیش بی‌عیب و کاست می‌دیدیم از گفتن سخن بی‌سود یا از سرودن هجا و درود می‌پرهیزیدیم و مانند هر آدم درست‌اندیش و با انصاف جریان مصالح را بگذارش طبیعی و صاف خویشتن رها کرده بودیم. اما اکنون چون می‌بینیم که آفاق افکار هموطنان را دردهای تشویش فرا گرفته و دل دوستان با خیال‌های بیجا و اندیشه‌های بی‌پروا آشفته است. . . [این مقاله دو صفحه‌ونیم مجله را فرا گرفته تا می‌رسد به اینجا که] چون می‌بینیم که هیچ ندای حق‌گویی که بتواند اندیشه‌های ایرانیان این نقطه کره را به گوش مرکز برساند و نگاهبانی بر حقوق و شئون ایشان بکند نیست، بر ذمه خود واجب می‌دانیم که اندیشه‌های خود را باز از دم «خاور» که ترجمان افکار ایرانیان ترکیه‌نشین است فاش و منتشر کنیم که مجدداً حکایت نابینا و چاهست و پس از این خاموش نشستن ما گناه است. سردبیر خاور، حسین دانش. «لازم است یادآور شویم که گرچه شماره مذکور شماره اول سال اول مجله خاور قید گردیده ولی از شعر اول مقاله (گرچه خاور مدتی تعطیل شد) و همچنین خود مقاله معلوم می‌گردد که مجله خاور قبل از این تاریخ نیز منتشر می‌شده و فعلاً مدتی بوده که تعطیل بوده است. مویذ این مطلب آنکه مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان ضمیمه کتاب دانشمندان آذربایجان (ص ۴۰۹ کتاب) از روزنامه خاور که در استانبول چاپ و منتشر شده نام می‌برد. وی اضافه می‌کند که این روزنامه

به مدیریت «سیدحسن تبریزی» در ۲۳ شوال ۱۳۳۲ قمری انتشار یافته است. آنچه مرحوم تربیت در این باره نوشته صریحاً می‌رساند که خاور در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده و شاید علت آن که خاور عنوان شده در این صفحه شماره اول ضبط شده این باشد که این دفعه خاور مجله بوده و دفعه قبل به صورت روزنامه منتشر شده است. بنابراین می‌توان گفت روزنامه خاور در شوال ۱۳۳۲ و مجله خاور در محرم ۱۳۴۳ منتشر گردیده است. متأسفانه نگارنده نمونه روزنامه خاور را در دست ندارد تا بتواند در این باره قضاوت قطعی نماید ولی چون نوشته‌های مرحوم تربیت صحیح و معتبر است لذا باید به نحو مذکور این دو را با هم جمع نمود.<sup>(۶)</sup>

مجله خاور از حیث طبع و کاغذ و پشت جلد بسیار زیبا و قشنگ و مطالب آن نیز مفید و جالب است. از مندرجات خاور چنین مفهوم می‌گردد که نویسندگان آن از طرفداران جدی رضاشاه فقید بوده و شاید به همین منظور خاور مجدداً منتشر شده است. برای اطلاع از این قسمت خوانندگان به مقاله شیخ خزعل و خوزستان مجله مراجعه فرمایند. آقای سیدحسن تبریزی و همچنین مدیر مسئول مجله خاور سیدمحمد توفیق هر دو مدتی روزنامه شمس را در اسلامبول تاسیس و منتشر نموده‌اند.<sup>(۷)</sup>

## ۵- روزنامه سروش

روزنامه سروش در شهر اسلامبول به طور هفتگی تاسیس و شماره اول آن در ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. پس از انقلاب جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری و مهاجرت عده‌ای از ایرانیان به صوب اروپا هنگامی که این مهاجرین به اسلامبول وارد شدند، به کمک انجمن «سعادت ایرانیان مقیم اسلامبول» روزنامه‌ای به نام سروش تاسیس نموده و جمعاً پنج شماره از این روزنامه طبع و منتشر شده. مدیر و موسس روزنامه سروش، سیدمحمد توفیق و نویسندگان آن عبارت بودند از میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه رئیس انجمن سعادت و مرحوم حاج میرزایحیی دولت‌آبادی و میرزاعلی اکبر خان دهخدا (نویسنده انتقادی روزنامه صوراسرافیل) و مرحوم حسین دانش.<sup>(۸)</sup>

معاضدالسلطنه وکیل رشت برای معالجه به اسلامبول رفته بود و مرحوم حسین دانش نیز در شهر مذکور توقف داشت. پس از ملحق شدن دهخدا و دولت‌آبادی به ایرانیان مقیم استانبول در صدد نشر روزنامه برآمدند، ولی در رمضان سال ۱۳۲۷ قمری نظر به تلگراف‌هایی که از ایران به عده‌ای از این آقایان شده بود، عازم ایران شدند. آخرین دسته که از این ایرانیان بازگشت نمود مرحوم معاضدالسلطنه به اتفاق دهخدا بود و با رفتن دهخدا بخصوص روزنامه سروش پس از نشر پنج شماره، برای همیشه تعطیل گردید. آقای دهخدا از موسسین و نویسندگان اصلی روزنامه بوده به قسمی که مدیر روزنامه حکمت چاپ قاهره او را موسس سروش دانسته است. نامبرده در شماره ۹۲۶ روزنامه خود مورخ ۱۵ رجب ۱۳۲۷ قمری می‌نویسد: «عفو الهی میکند کار خویش / مژده رحمت برساند «سروش». در این هفته سه شماره از گرامی جریده «سروش» منطبعه اسلامبول که به خامه جناب «میرزاعلی اکبر خان دهخدا» دبیر جریده روح القدس منطبع طهران به اداره رسید. از مطالعه آن خرسند شدیم. هر آنکس که روح القدس را خوانده است می‌داند که این دو بلبلان خوش‌الحنان گلزار وطن چه ترانه‌ها سروده‌اند و در پاداش این نیکو خدمات این دو آزاد مرد، (میرزاجهانگیر خان مدیر صوراسرافیل را به مدیر روح القدس اشتباه کرده است. مولف) فردای ثلثه ۲۲ جمادی‌الاول به امر مستبد اعظم حضور را پاره‌پاره نموده و نام آن را جزو شهدا نوشته است. دبیر آن جناب میرزاعلی اکبر خان، هم پس از انزوا به شیوه منجی کارانه خود را رها نموده و در ضمن مهاجرین وطن

سروش  
۱۳۲۷

در فرنگستان در کشور سوئیس به طبع و نشر دو عدد از جریده به نام روح القدس پرداخته و پس از استقرار مشروطیت در استانبول بدانجا رفته. جریده شیوایی سر و ش نام تاسیس نموده که نمونه‌ای از مندرجات آن را زیب حکمت می‌نمایم.<sup>(۹)</sup>

آقای دهخدا در محرم ۱۳۲۸ قمری از اسلامبول به طهران آمد و روزنامه ایران مورخ سه‌شنبه ۱۳ محرم ۱۳۲۸ قمری به عنوان «خیر مقدم» راجع به ورود دهخدا و روزنامه هفتگی سر و ش می‌نویسد: «جناب آقای میرزا علی اکبر خان قزوینی معروف به «دخو» دبیر صور اسرافیل که پس از فاجعه ۲۳ جمادی الاول و تخریب مجلس مقدس ایران تبعید شدند و در این اواخر در اسلامبول مدیر و سردبیر روزنامه هفتگی سر و ش بودند که الحق نزد اهل فن آن روزنامه رتبه در مکتون را داراست، روز یکشنبه ۱۱ شهر حال وارد تهران شدند.»<sup>(۹)</sup>

## ۶- روزنامه شاهسون

روزنامه شاهسون در اسلامبول با طبع ژلاتین تاسیس و منتشر شده است. مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع به روزنامه شاهسون اینطور می‌نویسد: «روزنامه بذل سر امنطبعه اسلامبول با ژلاتین در حدود سال ۱۳۰۶ قمری از طرف حاجی عبدالرحیم طالب‌اف و سید محمد شبستری فقط یک شماره منتشر شده است.»  
طالب‌اف مدیر و موسس روزنامه شاهسون که به علت انتشار کتاب احمد یا سفینه طالبی در ایران شهرت زیادی دارد از کسانی است که نوشته‌های او کمک بزرگی به برقراری مشروطیت نموده. شرح حال او به تفصیل در مجلات و جراید فارسی نوشته شده و ما در اینجا شرحی را که مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان (ص ۲۵۴ کتاب) درباره او نوشته به عینه نقل می‌نماییم: «حاجی میرزا عبدالرحیم بن ابوطالب بن علیمراد نجار تبریزی معروف به طالبوف از معاریف و فضیلتی آذربایجان بوده و عمر خود را در تمرخان شوره بلاد قفقاز گذرانیده است؛ در ۱۲۷۲ هجری در تبریز تولد یافته و در تاریخ ۱۳۲۸ در تمرخان شوره مرحوم شده است. مشارالیه قبل از اعلان مشروطه در ایران کتب مفیدی برای تنویر اذهان تالیف نمود، و الحق در این باب زحمتی کشیده است. از جمله تالیفات آن مرحوم که به طبع رسیده است کتاب احمد یا سفینه طالبی در دو جلد، مسالک المحسنین یا مسائل الحیات، نجه سپهری؛ ترجمه فیزیک مختصر؛ ترجمه هیئت فلما ربون مختصر؛ ترجمه پندنامه مارکوس می‌باشند. سید محمد شبستری: سید محمد شبستری معروف به ابوالضیاء همان مدیر روزنامه «ایران نو» است. برای اطلاع از شرح حال او به جلد اول کتاب کلمه ایران‌نو مراجعه شود.<sup>(۱۰)</sup>

لازم به توضیح است که سید محمد شبستری ملقب و معروف به «ابوالضیاء» را که مرحوم صدر هاشمی در اینجا به ذیل از روزنامه «ایران نو» ارجاع داده، گویا در ذیل ایران‌نو اشتباهاً او را «سید محمود» معرفی کرده است که صاحب امتیازی و مدیریت روزنامه یومیه ایران‌نو را در تهران برعهده داشته است، و این اولین روزنامه‌ای است که به قطع بزرگ و به صورت نیم‌ورقی در ایران منتشر شده است و مدتی نیز به عنوان ارگان حزب دموکرات منتشر می‌شده است.<sup>(۱۱)</sup>

البته شبستری همان است که مدتی نیز در تبریز روزنامه الحدید و بعدها «حدید» را منتشر می‌ساخته است. یعنی قبل از اعلان مشروطیت در ایران. مرحوم صدر هاشمی خلاصه شرح احوال وی را چنین نوشته است: مدیر و صاحب امتیاز روزنامه الحدید سید محمد شبستری ملقب به ابوالضیاء است و این همان کسی است که پس از اعلان مشروطیت در تبریز، با کمک حاج میرزا آقا بلوری روزنامه مجاهد را تاسیس نمود و بعد هم در طهران روزنامه ایران‌نو را دایر کرد.

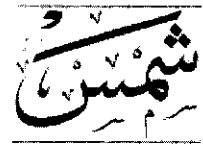


ابوالضیاء یکی از پیشقدمان مشروطیت در آذربایجان بوده و در راه به دست آمدن آزادی رنج فراوان متحمل گردیده و در نتیجه استقامت و پایداری در آزادیخواهی دچار مشقات و زحمات فراوان شده است. من جمله داستان کتک خوردن و فلک شدن اوست در تبریز که مرحوم کسروی آن را در کتاب تاریخ مشروطیت ایران بیان کرده و ما به عینه از آنجا نقل می‌کنیم:

«ابوالضیاء یکی از پیشگامان آزادیخواهی و خود از کوشندگان در آن راه می‌بود که پیش از آغاز مشروطیت به همدستی سیدحسینخان روزنامه عدالت را می‌نوشت. سپس در زمان مشروطه از کوشش باز نایستاد. از چندی باز به همدستی حاج میرزا آقا بلوری روزنامه مجاهد را بنیاد گذارده بود که از روزنامه‌های آبرومند تبریز شمرده می‌شد. در این روزها (منظور روزهای انقلاب تبریز است) در آن روزنامه گفتاری زیر عنوان «مکتوب از نجف» نوشته شد که چون بدگویی از سید کاظم یزدی کرده بود او را این ملجم سیرت می‌ستاید مایه آشوب در میان مردم گردید. گناه سیدمحمد بسیار بزرگ شمرده می‌شد. (انجمن نوبتی که گفتیم منظور انجمن اسلامی تبریز است که در همان ایام تاسیس شده بود. مولف) برخی از نمایندگان چندان دلبستگی به مشروطه نداشته و اینان چه به نام دلجویی از مردم و چه از راه فهم و باور خود دشمنی سختی با ابوالضیاء نشان دادند. انجمن نوشته‌ای به نام بیزاری از آن گفتار، بیرون داد که سرپا زشت‌گویی از ابوالضیاء می‌بود و در روزنامه انجمن به چاپ رسید. سپس ابوالضیاء را به انجمن آورده به بازپرسی پرداختند و به دستور یکی از مجتهدین (انگلی) پاهایش را به فلک بسته چوب زدند و به این هم اکتفا نکرده دستور دادند که از شهر بیرونش گردانند. بیچاره ابوالضیاء ناکامی که در زمان استبداد ندیده در زمان آزادی دید. بلوری می‌گوید ابوالضیاء را پس از چوب زدن دلداری داده به نوازشش پرداختم و چون چند تن از سواران شاهسون معین شده بود که از شهر بیرونش کنند و من می‌دانستم که اگر به دست شاهسون‌ها سپرده شود چون اسمش را به بی‌دینی شنیده بی‌گمان او را خواهند کشت. از این رو شبانه ابوالضیاء را از شهر گریز اندم و به دست شاهسون ندادم.»<sup>(۱۳)</sup>

سیدمحمد ابوالضیاء، پس از وقایع آذربایجان به طهران آمده و آنجا چنانچه بعدا خواهیم نوشت، در رجب ۱۳۲۷ قمری روزنامه ایران‌نو را تاسیس کرد. روزنامه ایران‌نو بدان جهت اهمیت دارد که در روزنامه‌های فارسی‌زبان اولین روزنامه‌ای است که به قطع بزرگ مانند جراید اروپا منتشر شده و بعدا روزنامه‌های دیگر از قبیل شرق، برق و استقلال ایران از آن پیروی نمودند.

## ۷- روزنامه شمس



قبل از آنکه به ذکر خصوصیات روزنامه شمس منتشره در اسلامبول بپردازیم، شرحی را که احمد کسروی در جلد سوم تاریخ مشروطه ایران راجع به این روزنامه نوشته نقل می‌کنیم. مرحوم کسروی درباره روزنامه شمس در اسلامبول می‌نویسد: «یکی از کارهای ایرانیان در استانبول آن بود که روزنامه‌ای به نام شمس با زبان فارسی بنیاد نهادند که اگرچه ناشایستگی از خود نمود؛ و همانا دارنده و نویسنده آن (سیدحسن تبریزی) زود فریب می‌خورده و به پاس خواهش یا به چشمداشت سود از هر کسی به ستایش می‌پرداخته، با این حال در آن هنگام در استانبول به یک روزنامه فارسی نیاز بسیار می‌بود و این روزنامه نیز یابوری به پیشرفت کار تبریز کرده است. ص ۱۹۷ کتاب مذکور.» اکنون که بنابر نوشته مرحوم کسروی محقق شد که روزنامه شمس در خارج ایران کمک بزرگی به تاسیس مشروطیت ایران نموده به ذکر خصوصیات آن می‌پردازیم.

شماره اول روزنامه شمس به مدیری «سیدحسن» در هشت صفحه به قطع پستی بزرگ شش‌ونیم در ۹ اینچ با

چاپ سربری (مطبعة جهان - سیدحسن) طبع و در تاریخ ۸ شعبان ۱۳۲۶ قمری مطابق ۲۲ آگستو ۱۳۲۴ منتشر شده است. در این شماره قبل از سرمقاله عکس شهید حریت آقامیرزا نصرالله ملک المتکلمین چاپ شده و در زیر آن مقاله افتتاحی روزنامه بدین قسم شروع می‌گردد: «به نام یگانه بی چون. ستایش مرا و اراسزا است که در این مشت خاک روان پاک دمیده و بر همه آفریدگان خود برگزیده، خرد و هوش بخشیده تانیک را از بد و خوب را از رد، تو مانند شناخت. هر آن کوره به راستی پویدرستگار شود و کسی که کجی پیشه سازد سرنگون و گرفتار آید. . . (پس از این مقدمه می‌نویسد) اما به نشر روزنامه هفتگی که از منافع و نشر مقاصد ملی در او ذکر شود مبادرت ورزیده و بدیهی است که با فداکاری یک تن این مقصد مقدس حاصل نخواهد شد، لهذا از پیشگاه منزه و جدان خداوندان افکار صائبه کمک می‌طلبیم.»

پس از سرمقاله مذکور، مقاله دیگری به عنوان «مقاله مخصوص» و بعد مقاله «ایران و ایرانیان» سپس اخبار داخلی و تلگرافات مربوط به ایران چاپ شده است. در شماره دوم که در ۱۴ شعبان ۱۳۲۶ قمری نشر شده عکس مرحوم سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی در صفحه اول این شماره طبع گردیده است. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در بدو تاسیس هر روز جمعه و بعد روزهای پنجشنبه طبع و توزیع می‌شده. کلیه امور اداره و تحریریه با مدیر روزنامه «سیدحسن تبریزی» ولی مدیر مسئول «محمد توفیق» است که نامش در انتهای صفحه آخر دیده می‌شود. قیمت اشتراک سالانه روزنامه در اسلامبول ۶۰ غروش، در ممالک عثمانیه ۷۵ غروش. در ایران ۳۵ قران، در روسیه ۶ منات، در اروپا ۱۷ فرانک. قیمت یک نمره یک غروش است.

مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی و مقالات مختلف بیشتر وقایع مربوط به ایران و یا ترجمه مطالب و اخباری است که روزنامه‌های خارجی درباره ایران نوشته‌اند و چون روزنامه در خارج ایران منتشر می‌شده و نویسنده آن فکری باز و قلمی آزاد داشته از این جهت بدون پروا و مانع در قضایا بحث و گفت‌وگو می‌نماید و از خائنان و درباریان بدگویی می‌کند. همین حقیقت‌نویسی و بی‌باکی مدیر شمس سبب گردیده که روزنامه از همان ابتدا طرف توجه ایرانیان قرار گیرد و برای قرائت مطالب آن روزنامه دست به دست بگردد. در این باره در شماره ۱۹ سال دوم به عنوان عرض تشکر و اعتذار این طور می‌نویسد:

«در این اواخر از هموطنان محترم و معزز مکاتیب عدیده و اصل و این خادم ملت رانهایت مرتبه به غیر لیاقت تلطف و مورد انواع محبت فرموده‌اند اداره شمس از ادای تشکر آنها عاجز است. هموطنان محترم درباره روزنامه شمس در زمان اندک حسن ظنی که حاصل نموده و به خلاف معمول ناائل رغبت و مظهر توجه عامه فرموده‌اند ما را در توسیع دایره خدمت به وطن تازیانه غیرت خواهد شد.»

در جای دیگر همین شماره می‌نویسد: «در اثر توجه عامه مردم به قرائت روزنامه شمس کار به جایی رسیده که بعضی نمره‌های آن در طهران و شهرهای دیگر به قیمت یک تومان و زیادتر خرید و فروش شده است» و این خود اهمیت روزنامه شمس را در بین مطبوعات فارسی می‌رساند.

اسم روزنامه «شمس» به خط نسخ درشت و این عبارات در زیر عنوان روزنامه درج است: «در این جریده هر قسم مقالات تاریخی و سیاسی و علمی و ادبی درج و از منافع دولتی و مملکتی بحث می‌شود و کلیه مقالات عام‌المنفعه پذیرفته و در انتشارش روزنامه آزاد است. قیمت اعلان عادی سطری ۳ و اعلان بانک و امور صرافی ۵ اعلانات معنا که در جای حوادث درج شود سطری ۱۵ غروش است.» در بعضی شماره‌های شمس تصاویر سران مشروطیت و عکس‌های جمعی چاپ شده که منجمله در صفحه اول شماره ۱۲ سال دوم مورخ ۲۸ شول ۱۳۲۷ قمری تصویر جمعی از سران مشروطه طبع گردیده است: (مهندس الممالک؛ جناب سپهدار؛ عین‌الدوله، حضرت عمیدالملک پرنس فرمانفرما؛ مستوفی الممالک، سردار اسعد.) در شماره ۱۳ از سال

دوم [تصویر «تالار بزرگ عمارت بهارستان» چاپ شده. در شماره ۱۹ سال دوم مورخ ۱۶ محرم ۱۳۲۸ تحت عنوان «اتحاد روس‌ها با رحیم‌خان» دو عکس که در یکی از تصاویر «رحیم‌خان ضرغام - بلیائف نایب قنصل روس در تبریز» نمره‌گذاری شده، طبع گردیده است قسمتی از سرمقاله شماره ۱۳ سال دوم شمسی که باعث توقیف روزنامه در سرحد ایران و جلوگیری از آن گردیده چنین است: «افتتاح مجلس شورای ملی - صورت تلگرافست که از طهران به سفارت کبری رسید - روز دوشنبه غره ذی‌القعدة دو ساعت از ظهر گذشته مجلس شورای ملی در حضور اعلیحضرت همایونی و نایب‌السلطنه و خانواده سلطنت کورد دیپلوماتیک، علما، وزرا؛ امرا مفتوح خواهد شد. لازم است در آن موقع رسم قبول داده شود. علاءالسلطنه».

اساس مقدس مشروطه و قانون اساسی را مرحوم خلدآشیان مظفرالدین شاه استوار نمود ولی فرزند ناخلف او محمدعلی میرزا قدر این نعمت جهان‌قیمت را ندانسته، بعد از آنکه پس از امضای قانون مشروطیت و لایحه‌ی او از طرف ملت شناخته شده بود و بعد از فوت مرحوم مظفرالدین شاه مجدداً سوگند یاد نمود و امضا گذارد تا ملت او را به پادشاهی گرفتند، ولی همین‌که به جای پدر بر اریکه سلطنت قرار گرفت کجی اندیشه و نادانی و خودپرستی و فریب برخی مردمان نفس پرست کم‌خرد بی‌دانش که در دور او گرد آمده بودند او را بر آن داشت که قدر این نعمت بزرگ که به رایگان او را دست داده بود تقدیر ننموده به مخالفت ملت برخاسته و در صدد اختلال این اساس مقدس مشروطیت برآید. شیخ نوری و کورآملی و شیخ مردود و رامینی نیز موید خیالات او گردیدند و بر گمراهی او افزودند. . . . «آن‌قسم که یادآور شدیم نمره ۱۳ و همچنین ۱۲ سال دوم روزنامه از ورود به خاک ایران ممنوع گردید و در یکی از شماره‌های بعد خطاب به علاءالسلطنه راجع به توقیف روزنامه این‌طور می‌نویسد: حضرت علاءالسلطنه: از قراری که در چند مکاتیب نوشته‌اند گویا شماره‌های ۱۲ و ۱۳ روزنامه شمس را امر به توقیف داده‌اید، نمی‌دانم در این زمان آزادی و مشروطیت با کدام قانون و کدام وجدان و با حکم کدام محکمه این امر استبدادی از اداره آن حضرت صادر شده» مقاله مذکور به این جملات ختم می‌شود «بلی آشکارا می‌بینم که ما را مجبور خواهید ساخت که چنانکه امیل زولا در مساله دریفوس با عنوان «ژاگوز» تمام خفایای اکابر و اعیان فرانسه را کشف نمود ما هم پرده را از روی کار برداشته و کشف حقایق نماییم .

روزنامه حکمت منطبعه مصر در نمره ۹۲۴ مورخ ۱۵ ذی‌القعدة ۱۳۲۶ قمری پس از تمهید مقدمه مبنی بر اینکه اساس آزادی بر روزنامه و مدرسه است درباره طلوع روزنامه شمس این‌طور می‌نویسد:

«ما را هم تاجمادی اولی دلخوشی که در جهان بود آن اول مجلس شورای ملی بود و دوم فراوانی روزنامه‌های فارسی در داخل و خارج که به ناگاه بارانی وزید و مجلس شورای ملی خراب و جریده‌نگاران برخی شهید و بعضی نایب شدند تا ناگهانی در هفته گذشته سه شماره (۹، ۱۰ و ۱۱) شمس از افق استانبول تابیده و به اداره حکمت رسید لهذا صاحب امتیاز جریده شمس «آقای سیدحسن خوبی» صاحب کتابخانه شمس را تبریک [عرض] می‌نماییم و بقای آن را خواهانیم.»<sup>(۱۳)</sup>

## ۸- روزنامه شیدا

روزنامه شیدا به زبان فارسی و ترکی در شهر استانبول تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. شیدا روزنامه‌ای است مصور و نیمه‌فکاهی و هر ۱۵ روز یکبار منتشر می‌شده. مدیر روزنامه «محمد ضیاءالدین» بوده و روزنامه به وسیله چند تن از محصلین ایرانی اداره می‌شده. منجمله صاحب امتیاز و نویسنده آن «حاجی حسن خان جعفرزاده» و مدیر اداره «مظفرخان اسماعیل زاده» و تصاویر روزنامه به وسیله «میرزا عبدالحسین خان طاهرزاده» رسم شده است. شماره اول روزنامه شیدا در چهار صفحه به قطع ۱۳ و سه چهارم اینچ طبع و در تاریخ ۲۹ شوال

۱۳۲۹ قمری منتشر شده و صفحات اول و چهارم مخصوص رسم کاریکاتور است. اسم روزنامه شیدا به خط نستعلیق درشت و در دو طرف آن خصوصیات روزنامه نوشته شده و در زیر عنوان این عبارت درج است: «روزنامه‌ای است فارسی و ترکی مسلک‌اش بیان حقیقت است.» عنوان مراسلات اسلامبول. محمود پاشا. وجه اشتراک در ایران سالانه ۱۵ قران، در اسلامبول ۳۰ غروش. قیمت یک نمره پنج شاهی. (نسخه سی ۲ پاره). از روزنامه شیدا جمعا پنج شماره نشر شده و شماره پنجم آن مورخ به تاریخ یکشنبه دوم محرم ۱۳۳۰ قمری است. کاریکاتور صفحه اول این شماره راجع به اولتیماتوم دوم روس است که در زیر آن این مذاکرات بین یک نفر روسی و ایرانی رد و بدل می‌شود: «روس این اولتیماتوم دوم را هم قبول کنید دیگر دوستی ما برقرار خواهد بود. دیگر حال تحمل نداریم. شیدا - قدری بایست که جوابش را آوردم.»

مرحوم تربیت به طور اختصار راجع به شیدا این طور می‌نویسد: «روزنامه نیم‌ماهه، هزلی، منتشره در استانبول به مدیری حاج حسن جعفرزاده تبریزی در ۱۳۲۹.»<sup>(۱۲)</sup>

## ۹- روزنامه فکر استقبال

روزنامه فکر استقبال در شهر اسلامبول به زبان فارسی به مدیری «علی شریعت‌زاده» تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. از روزنامه فکر استقبال بیش از یک شماره منتشر نشده و ذیلا خصوصیات این شماره را از روی نمونه که در دست است شرح می‌دهیم:

روزنامه فکر استقبال در ۹ صفحه به قطع خشتی کوچک در مطبعه سربی با کاغذ و طبع بسیار خوب چاپ و در تاریخ ۲۱ شعبان ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. در عنوان روزنامه اسمی از مدیر و صاحب‌امتیاز روزنامه نیست و فقط در انتهای صفحه نهم که آخرین صفحه روزنامه است، نوشته: «اسلامبول. علی شریعت‌زاده» و از این عبارت محل طبع و نام مدیر روزنامه (علی شریعت‌زاده) معین می‌گردد. آنچه لازم است یادآور شویم اینکه در اینجا و در فهرست جراید آذربایجان نام خانوادگی مدیر روزنامه «شریعت‌زاده» ضبط شده ولی تصور می‌رود همان‌قسم که در بالا نوشتیم شریعت‌زاده باشد و به غلط شریعت‌زاده چاپ شده است. بخصوص که در کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون نیز «علی شریف‌زاده تبریزی» نوشته شده است.

هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و در بالای اسم روزنامه (فکر استقبال) جمله «دست اخوت نشود قطع» و در طرف راست عنوان روزنامه این عبارت «در مقابل اجرت همین نسخه از قارئین حس و وطن پرستی مطلوب است» و در طرف چپ عنوان عبارت «اجرت پست در همه جا به عهده صاحب مقاله است» درج گردیده. در زیر عنوان جملات «عجلوا بالصلوة قبل الفوت» و «عجلو بالتوبه قبل الموت» چاپ شده است. مقاله افتتاحی روزنامه بدین قسم شروع می‌گردد: «بر عامه ملت و قاطبه هموطنان پوشیده و مخفی نیست که در این مدت سه چهار سال اخیر صدای کلمات مشروطه و انجمن و تشیید مبانی مجلس و قانون اساسی و عدالت و وضع اساس مساوات و حریت و اخوت و قطع ریشه نفاق و استحکام بنای اتفاق و غیره از هر سمت ایران به گوش ما و جهانیان رسیده و می‌رسد، ولی ما ملت بدبخت معنی کلمات فوق را از فرط جهلی که داریم ندانسته و خودمان مفقود الاثر کرده‌ایم. . . .» مقاله دیگر این شماره تحت عنوان «قانون چه فایده می‌بخشد» است. بقیه مندرجات آن نیز مقالاتی نظیر همین دو مقاله است. همان‌قسم که یادآور شدیم از روزنامه فکر استقبال بیش از همین یک شماره منتشر نشده است.<sup>(۱۳)</sup>

البته جراید فارسی منتشر شده در اسلامبول بیش از اینها می‌باشد و لیکن ما در اینجا به دلیل عدم دسترسی مستقیم به آنها و نیز عدم اشارات مرحوم صلرهاشمی، آنها را مورد مطالعه قرار ندادیم.

از جمله نشریات فارسی منتشره در اسلامبول که برخی ها نام برده اند عبارتند از روزنامه های مدنیت، اخبار دارالخلافة و اتحاد اسلام.

### پانویست ها

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳، صفحات ۱۴۶-۱۴۴، تألیف محمد صدر هاشمی، چاپ اصفهان، انتشارات کمال ۱۳۶۳.

۲- روزنامه حکمت منطبعه مصر شماره ۹۰۵ سال ۱۶ مورخ غره صفر ۱۳۲۶ قمری.

۳- همان، ج ۱، صفحات ۶۵-۶۳.

۴- البته در نمونه ای از نسخه های «پارس» که با مشخصات ذیل نگارنده مشاهده کرده ام، تفاوتی جزئی با این مطلب وجود دارد. در شماره ۲ سال اول پارس آمده است: صاحب امتیاز و سردبیر فارسی: لاهوتی، سردبیر قسمت فرانسه: علی نوروز، مدیر مسئول جلال انسی.

۵- همان، ج ۲، صفحات ۴۷-۴۶.

۶- مطالب مرحوم محمد صدر هاشمی درباره پیشینه مجله خاور کاملاً مبتنی بر حدس و تخمین بوده است و با واقعیت سازگاری ندارد. مجله خاور بر اساس مشاهده مستقیم نگارنده از شماره اول سال اول دوره قدیم آن دارای مشخصات ذیل می باشد: شماره اول سال اول خاور در تاریخ ۱ اسد ۱۲۹۹ موافق ۶ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۸ یا خط نستعلیق که سر مقاله آن نیز با لفظ «به نام خدا» و با عنوان «مقصد و مقصود» شروع شده و اهداف مجله را توضیح داده است. فهرست مقالات و مندرجات شماره اول از سال آن به قرار ذیل است:

- مقصد و مقصود صفحه ۱

- اختلاف نژاد بشری و مسبب آن صفحه ۳

- چتر صفحه ۱۰

- در میان میاهوی جنگ (به قلم آقای لطفعلی خان صورتگر) صفحه ۱۵

- علم ارواح (به قلم آقای اعتماد التولیه دستغیب) صفحه ۱۸

- دکتر کرنلیوک قانلیک صفحه ۲۸

- اشتغال بدن انسان بذاته صفحه ۳۴

- استحمام صفحه ۳۹

۷- همان، ج ۲، صفحات ۲۴۲-۲۴۱. *پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۸- لازم به توضیح است که احتمالاً مرحوم صدر هاشمی روزنامه سر و ش را به طور مستقیم رؤیت ننموده است، و گرنه در صفحه اول شماره اول آن آمده است: «مدیر مسئول و سردبیر علی اکبر دهخدا».

۹- همان، ج ۳، صفحات ۳۵-۳۴.

۱۰- همان، ج ۳، صفحه ۵۶.

۱۱- ر. ک: تاریخ جراید و مجلات ایران ج ۱ / ۳۴۵.

۱۲- همان، ج ۱، صفحات ۲۵۷-۲۵۶.

۱۳- همان، ج ۳، صفحات ۸۴-۸۲.

۱۴- همان، ج ۳، صفحه ۹۳.

۱۵- همان، ج ۴، صفحات ۸۵-۸۴.